



INJRAKA



외과의사 엘리제



ادیتور: Shahavuzai

مترجم: H.H.

MJRAAKA

هنوز
دوریم؟

خیابان 68
تراز، پس همین
الان رسیدیم



این... به نظر میرسه
همینجاست





Episode

24



اوه... من رز هستم، کارآموز پرفسور فلن. اینجا منزل ایشونه؟



بله همینطوره...



دیدنشون
سخته،

فقط، دوست
دارین بیاین
داخل؟



همهی اینا کتابای
پزشکیان...



کتابای دست نویس
کنت براهام، کتابای
قدیمی تاریخ پزشکی
و آخرین نشریههای
کشورای دیگه...



همشون به شدت
کهنه شدن. مطمئنم
چندین بار این
کتابا رو خونده.

این عمارت واقعاً
حقیرانهست و چیز زیادی
نیست که خدمتتون
بیارم... ولی این قهوه ایه
که ارباب ازش لذت
میبرن.

اوه ممنونم.

فقط، فکر
نمیکنم بتونین
امروز ارباب
رو بینین...

SIP

ایشون بیمارن؟

نه،
اینطور
نیست.

پس...؟

خیلی غرق
تحقیقاتشون
شدن.

SIGH

بخشید؟



بعد از چند روز پیش که
سرکارش بود، گفت با یه
جراحی شگفتانگیز مواجه
شده. از همون موقع توی
اتاقش داره در مورد اون
تحقیق میکنه و هنوز بیرون
نیومده.



همیشه وقتی چیز جالبی
پیدا میکنه همین کار رو
انجام میدن، ولی اینبار به
نظر میرسه خیلی
دیوونهش شدن.

میگفتن اون
جراحی مثل یه
معجزه بوده.

غیرممکنه..
اون
جراحی...؟

SIGH



لطفاً درک کنین.
پزشکی تمام
زندگیش بوده، از
زمانی که
خانوادش فوت
کردن وقتی خیلی
کوچیک بود....



بیست سال پیش،
فقط من و ارباب
جوان از بیماری
لوندو جون سالم به
در بردیم.



بعد از اینکه ارباب جوان
خانوادش رو از دست داد
تصمیم گرفت پزشکی
بشه که میتونه همه
بیماری ها رو درمان کنه.
از اون موقع تا الان
سخت تلاش کرده.



یه بچه که کمتر از ده
سالشه بعد از دست
دادن خانوادش به
چی فکر میکنه که
دکتر شدن رو در نظر
میگیره؟



این برای یه یتیم
که هیچ شانسی
نداره نمیتونسته
آسون بوده باشه...

...





MUMBLE

رز، تو چطوری
اون کار رو
کردی...؟

روز بعد



شما
اینجایی
پرفسور!

آره.



رئیس دنبالتون
میگشت. گفت در
مورد جراحی
اخیره...

میدونم.
با من بیا
رز.

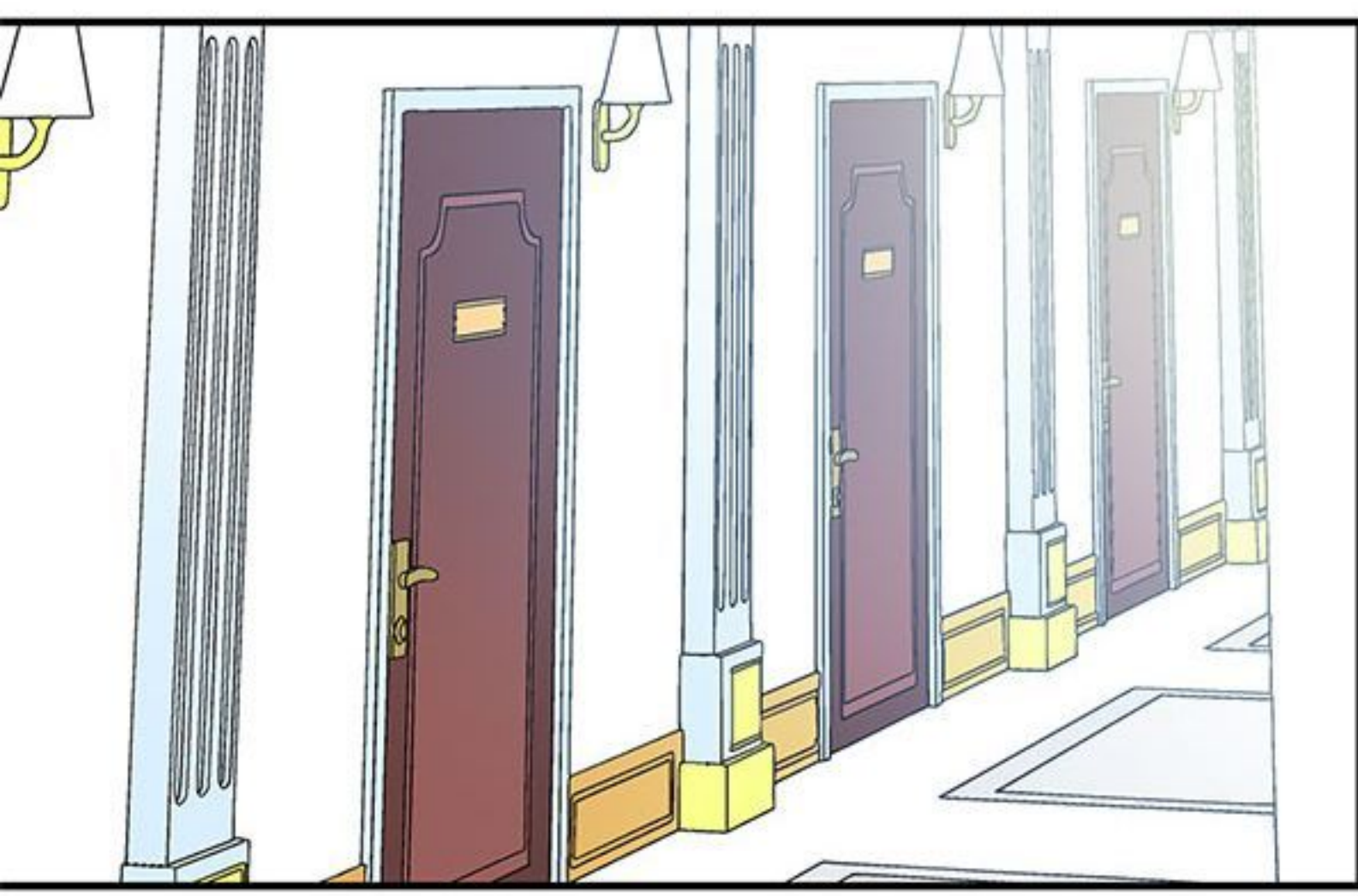


بیخشید؟

چرا
من...؟

بیا باهم بریم.
لازمه صحبت
کنیم.





دکتر
فلن
هستم.



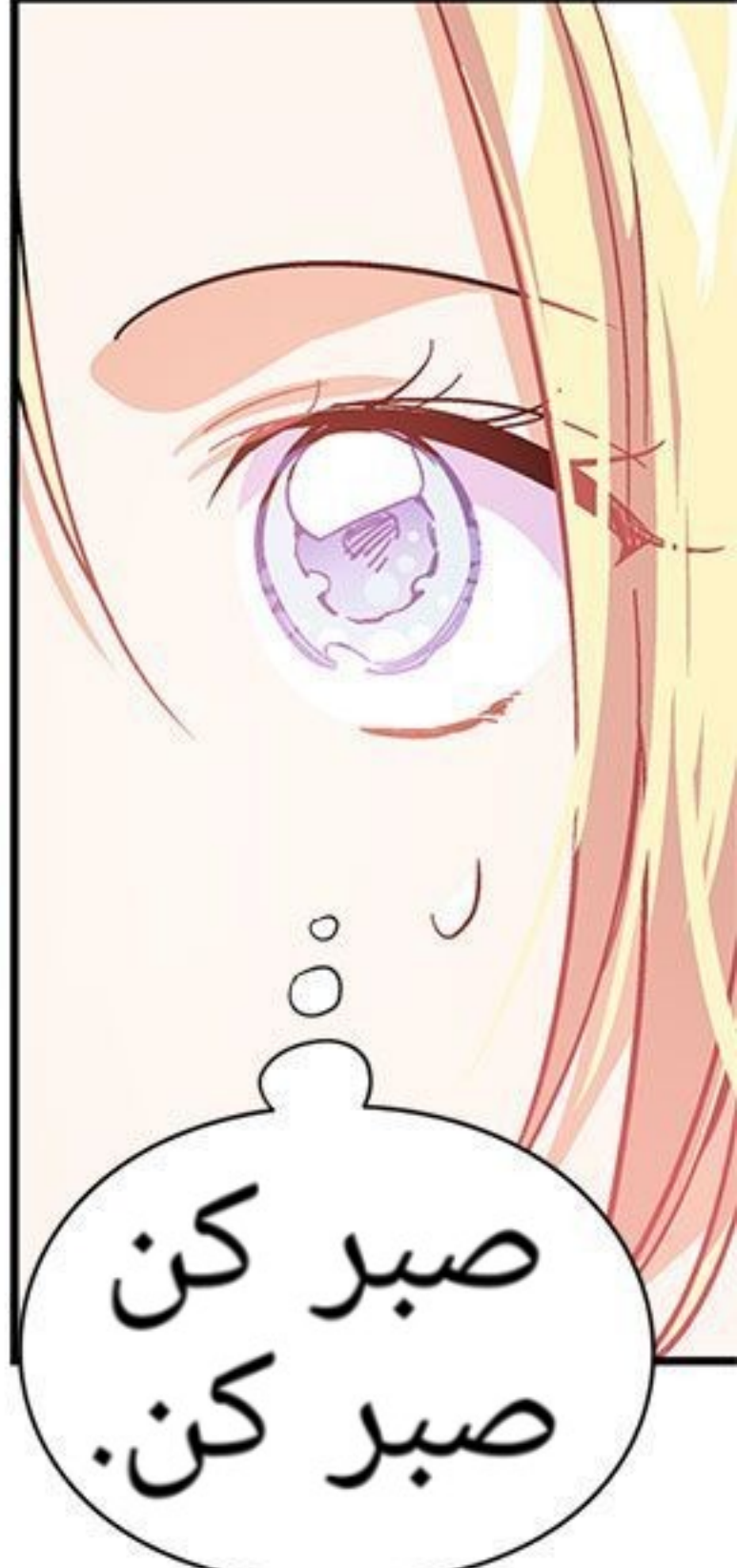
بیا تو.



اون بازن
سوونه، پزشک
دربار.



تو زندگی قبلیم
وقتی ملکه بودم،
اون خیلی از من
مراقبت کرد...



صبر کن
صبر کن.



بارن سوون تو این زندگی
هم وقتی کوچیک بودم
عادت داشت به خوبی از
من مراقبت کنه. ما قبلا هم
رو دیدیم!



اگه من رو
بشناسه
چی؟

FIDGET
ANTS'Y

هویت اصلیش
یه رازه.



اون دختر...؟



اون دختر...؟

کارآموز جدید مائه.
مشکلی پیش اومده
سوون؟

اد:لنتی چه اسمی داره هی یاد
ماست سون میفتم

نه...هیچی.
فقط شبیه یه
نفره که
میشناسمش...

داری به
کی فکر
میکنی؟



خب،امکان نداره.
احتمالاً فقط شبیه
همن. اون بانوی جوان
کارآموز بیمارستان
نمیشه.

HMM



AWKWARD

اگه بیشتر آگاه
نبودم فکر میکردم
دو قلو ان. آخرین
باری که دیدمش
کی بود؟

مگه اینکه قلبش
رو عوض کرده
باشه...امکان نداره
همون دختر باشه.

و حالا گراهام. چرا
سر کارت نبود؟



اسپلینکتومی!

تو
بودی،
درسته؟

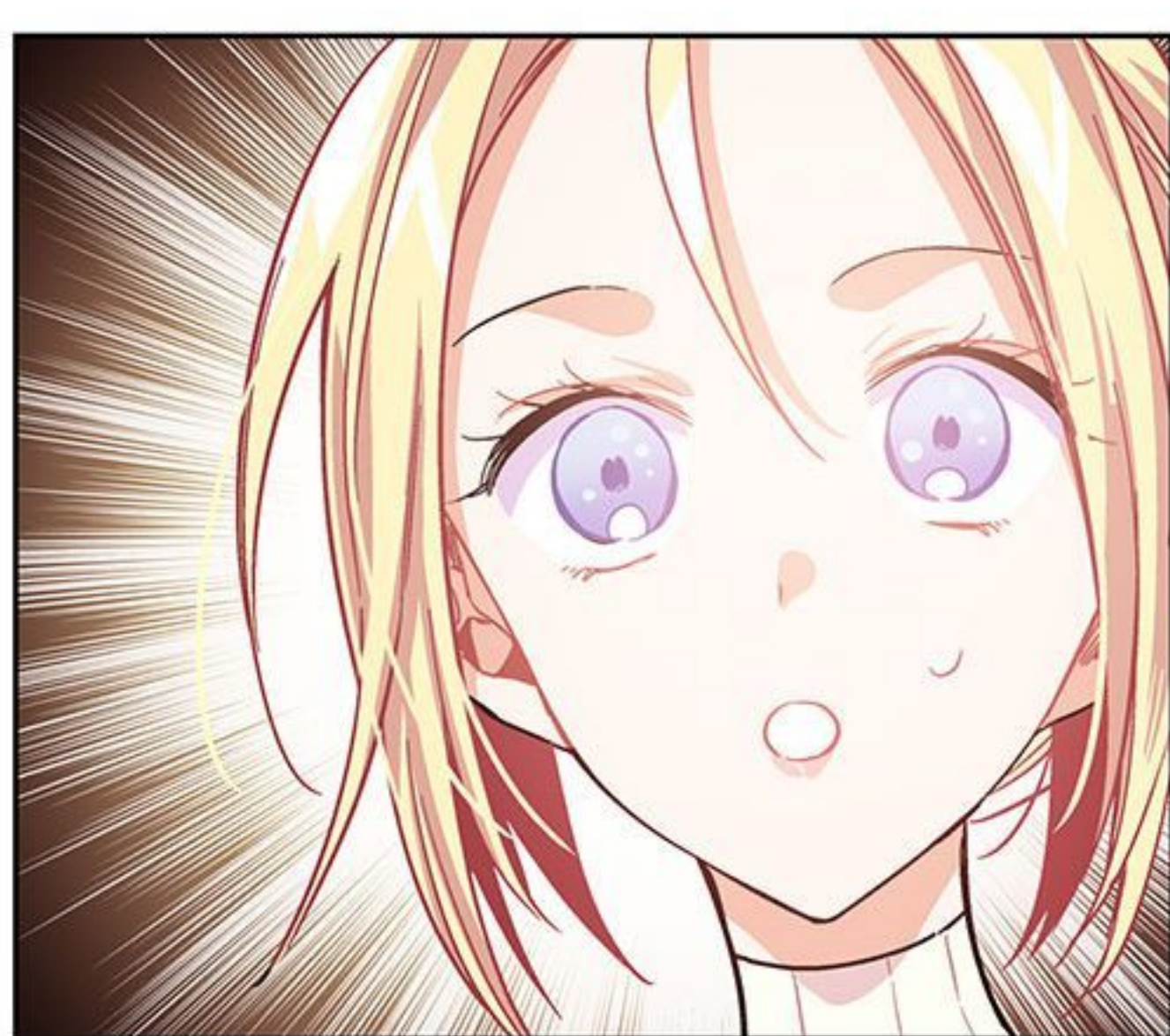
فوقالعاده‌ست! من
همیشه حواسم بهت
بوده ولی فکر نمی‌کردم
بتونی همچین کاری
بکنی! این توی تاریخ
پزشکی ثبت میشه!

...

چطوری این
ایده به ذهنت
رسید؟

اینو باید از...

خانمی که
کنار منه
پرسید نه
من.





اگه ادیت یا
ترجمه ت خوبه
زود باش بیا
کمک

قول می دم
بت سخت
نگیرم

MIRAKA

بازم کپی
کردی
پدر سوخته

کپی حتی با ذکر
منبع هم ممنوع

